

لزوم حفظ خیابان در جنگ،

ص



حضور مردم در میدان و حفظ خیابان از ابعاد متعددی اهمیت دارد: یکی از آن‌ها بعد رسانه‌ای و تبلیغاتی این حرکت و اثر روانی آن روی دشمن است. دشمن جنگ را با این ادعا آغاز کرد که به کمک آشوبگران و برهم زندگان امنیت داخلی بیاید. در حالی که آن افراد نه تنها در خیابان حاضر نشدند، بلکه مردمی که پای کشور و باورهایشان ایستاده بودند، در میدان حاضر شدند. این حرکت، دشمنان را به خشم آورد. در صورت تکرار حمله به ایران، این تجربه درخشان باید در هر زمان دیگر هم تکرار شود.

در جنگ، ترامپ ادعا کرد تصویرهای حضور گسترده مردم در میدان‌های جای‌جای کشور، ساخته هوش مصنوعی است. البته واقعیت نزداو و امثالش مانند نتانیاهو آشکار است و از سر استیصال چنین گفته شد. بنابراین، از جنگ آموختیم که این حضور مردم در میدان باید استمرار داشته باشد.

بُعد دیگر اهمیت حضور مردم در میدان و حفظ خیابان این است که شیوه جنگ در زمانه ما تغییر کرده است. در جنگ، دشمن به جای استفاده از نیروی زمینی، به حمله‌های هوایی و موشکی بسنده کرد و چشم امید و طمع به فتنه و آشوب داخلی بست. لذا اگر ما میدان و خیابان را خالی کنیم، عوامل نفوذی و وطن‌فروشان از خیابان و میدان استفاده خواهند کرد و شهرهای ما را به سقوط تهدید خواهند کرد. امنیت روانی نیروی نظامی ما و آن کسی که پای پرتابگر (لانچر) و موشک است، نیروی دریایی ما، نیروی زمینی ما، پدافند ما و همه این‌ها بستگی به این دارد که زن و بچه و ناموس مردم که در شهرها هستند و خانواده‌های خود نظامی‌ها حفظ بشوند و این وظیفه بر دوش مردم است؛ با حفظ امنیت شهرها از طریق حضور در صحنه.

بنابراین با حضورمان، هم شهرها را از سقوط و آشوب و فتنه حفظ می‌کنیم و هم به نیروی نظامی‌مان، برای رودررویی با دشمنی که روبه‌رویش ایستاده است، قوت قلب می‌دهیم و کمک می‌رسانیم که به پشت سرت نگاه نکن، چون آن را مانگه داشته‌ایم. پیام می‌دهیم که شما روبه‌رو را دریاب و در نبرد با دشمن تردید نکن. حضور مردم در صحنه و حفظ میدان و خیابان به امروز مربوط

نیست و در تاریخ سابقه‌های متعدد دارد؛ از جمله در تاریخ صدر اسلام؛ چنان‌که در غزوه تبوک که آخرین غزوه رسول خدا (ص) است، به خاطر خطر فتنه منافقان در مدینه، رسول خدا (ص) مهم‌ترین سردار و پرچم‌دار، یعنی امیرالمؤمنین علی (ع)، را با خودش بُرد و در مدینه باقی گذاشت، برای حفظ و صیانت از شهر. امیرالمؤمنین (ع) هم برخلاف سایر غزوه‌ها که در میدان جنگ حاضر بود، در مدینه ماند و این وظیفه را به خوبی انجام داد و مدینه را از خطر آشوب و فتنه، در زمانی که سپاه اسلام درگیر جنگ خارجی است، حفظ کرد.

ممکن است سؤال شود چرا پیامبر اکرم (ص) خودشان در مدینه نماندند و امیرالمؤمنین (ع) را با آن سپاه نفرستادند؟ پاسخ این است که به خاطر شأن و جایگاهی که پیامبر (ص) داشت، بزرگان قریش که در سپاه بودند، از پیامبر (ص) حرف‌شنوی داشتند، ولی ممکن بود از امیرالمؤمنین (ع)، به دلیل جوانی‌شان، حرف‌شنوی

با عبرت از تجربه‌های تاریخ در اسلام

که حضور در تجمعات خطرناک است و ممکن است افراد کشته بشوند. با انواع تبلیغات می‌خواستند این میدان‌ها و خیابان‌ها را از حضور مردم آگاه، بیدار و هوشیار خالی کنند. لذا همواره باید مراقب جریان‌های نفوذی و منافقان باشیم.

از نمونه‌های دیگری که حضور در خیابان فتنه داخلی را خنثا کرد، نبرد احزاب است که وقتی ۱۰ هزار سپاهی به فرموده قرآن (احزاب/۱۰) از جنوب و شمال، یعنی قریش و قبیله بزرگ غطفان و قبایل بدوی همراهش، مسلمانان و مدینه را محاصره کرده بودند، از پشت سر فتنه و توطئه شد و آن خیانت یهود بنی قریظه بود. در منابعی مانند مغازی واقدی و طبقات ابن سعد ذکر شده است که پیامبر اکرم (ص) با روش استفاده از حضور در خیابان این فتنه را خنثا کردند، به نحوی که یک گروه احتمالاً ۵۰۰ نفر در خیابان‌های مدینه پخش می‌شدند و بلندبلند تکبیر می‌گفتند (آیتی، ۱۳۷۸: ۳۸۹؛ جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۵۸) و همین باعث خوف بنی قریظه و ناکام ماندن فتنه آن‌ها شد.

در غزوه خندق و در جریان خیانت بنی قریظه، شاهد حضور عمومی و نیروهای غیرنظامی هستیم؛ حتی زنان. چنان که در منابع ذکر شده است، یکی از خائنین بنی قریظه که قصد فتنه داشت و به فضای درونی شهر مدینه نفوذ کرده بود، توسط صفیه، عمه پیامبر (ص)، کشته شد (پیشوایی، ۲۰۱۳۸۲: ۲۵۳). بنابراین، این حضور عمومی از زن و مرد در حفاظت از شهر، درسی است که ما از دوره صدر اسلام می‌توانیم بگیریم و با شرایط امروزمان هم کاملاً منطبق است. در زمان جنگ نباید میدان و خیابان و فضای شهر را خالی کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک. مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام، قم: معارف، ۱۳۸۲: ۲۹۶ - ۲۹۳.
۲. برای تفصیل این ماجرا نک. محمدابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام (ص)، ص ۳۹۷.

منابع

۱. محمدابراهیم آیتی (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام (ص). دانشگاه تهران. تهران.
۲. رسول جعفریان (۱۳۸۳). سیره رسول خدا (ص). دلیل ما. قم.
۳. مهدی پیشوایی. تاریخ اسلام، قم: معارف، ۱۳۸۲: ۲۹۶ - ۲۹۳.



نداشته باشند. لذا حضرت همین را هم تدبیر کرد و این گونه دو خطر دشمن خارجی و فتنه داخلی را خنثا کرد. در زمان غزوه تبوک که امیرالمؤمنین (ع) به صیانت و حراست از مدینه می‌پرداخت، جریان نفاق هم فعال بود و جو سنگینی را علیه حافظ شهر، یعنی امیرالمؤمنین (ع)، ایجاد کردند. آن‌ها این شایعه را مطرح کردند که حتماً بین پیامبر (ص) و علی (ع) اختلافی بوده که علی را با خودش نبرده است. حتی شاید القا می‌کردند که با شهادت برادر حضرت علی (ع)، یعنی جناب جعفر (ره) در سرریه موته، علی ترسیده و در غزوه تبوک حضور پیدا نکرده است. تبلیغات سوء دیگری هم بود. لذا پیامبر اکرم (ص) این جو سنگین را هم با اعلام حمایت از امیرالمؤمنین (ع) خنثا کرد. آنجا که فرمود: «علی برای من به منزله هارون برای موسی است»^۱.

در جنگ تحمیلی سوم هم، علیه حضور ما در خیابان جوسازی کردند. مثلاً آن را کم‌اهمیت جلوه دادند یا این گونه تبلیغ کردند